

## Relationship between the concept of modern Islamic culture and civilization in the discourse of the leadership of the Islamic Revolution of Iran

### ABSTRACT

Culture in the discourse of leadership and its role in the realization of the new Islamic civilization is one of the important issues that need a lot of research. Because culture is very important in the view of the Supreme Leader and has a central position. Accordingly, the importance of the place of culture in the thought of his leadership has led him to develop a cultural engineering perspective. From this perspective, cultural engineering is an effort to strengthen the main components of the Islamic and national culture of the country and protect it against the influence and influence of destructive Western culture, in the light of proper arrangement and determining the correct position of all cultural dimensions and characteristics of society. These efforts require the proper design of cultural engineering. This article seeks to answer the question, what is the relationship between the concept of culture and modern Islamic civilization in the discourse of the leadership of the Islamic Revolution of Iran? The methodology of the present research, which has a descriptive- analytical nature, has provided and collected the required data and information through the library method and by accessing sources such as books, articles and research reports. In the form of the theory of modern Islamic civilization, it is based on the hypothesis that according to the Supreme Leader, culture has provided the basis for the formation and expansion of modern Islamic civilization in society. The results of the research have shown that there is a close and significant relationship between modern Islamic culture and civilization. In such a way that culture is effective in the realization of modern Islamic civilization and according to the most important components of Islamic civilization, which is God-centered based on human dignity and cultural and spiritual values, this statement is confirmed.

**Keywords:** Culture, Leadership Discourse, New Islamic Civilization, Cultural Engineering.

### ARTICLE INFO

Article Type

**Research Article**

### Authors

1. Faramarz Mirzazadeh  
Ahmad Beglou. Ph.D.
2. Mohammad Kamalizadeh.  
Ph.D.
3. Hamzeh Safarbeigi. PhD  
student

1. Assistant Professor,  
Department of Political  
Science, Islamic Azad  
University, South Tehran  
Branch, Tehran, Iran..
2. Assistant Professor,  
Department of Political  
Science, Institute of Humanities  
and Social Studies, University  
Tehran, Iran. Jihad
3. Political Science, Islamic  
Azad University, South Tehran  
Branch, Tehran, Iran.

### Correspondence:\*

**Address:** Department of  
Political Science, Islamic Azad  
University, Ilam Branch, Ilam,  
Iran.

**Email:** [f.mirzazade@gmail.com](mailto:f.mirzazade@gmail.com)

### Article History:

**Received:** 19.04.2022.

**Accepted:** 18.08.2022.

## نسبت مفهوم فرهنگ و تمدن نوین اسلامی در گفتمان رهبری انقلاب اسلامی ایران

حمزه صفربیگی

دانشجوی دکترای تخصصی علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب.

فرامرز میرزاده احمد بیگلر Ph.D\*

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایلام.

محمد کمالی زاده Ph.D

استادیار گروه علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، جهاد دانشگاهی.

### چکیده

فرهنگ در گفتمان رهبری و نقشی که در تحقق تمدن نوین اسلامی دارد، از موضوعات مهمی است که نیازمند تحقیق و پژوهش بسیار است. از آن جا که فرهنگ در دیدگاه مقام معظم رهبری از اهمیت بسیاری برخوردار است و جایگاهی محوری دارد. بر این اساس، اهمیت جایگاه فرهنگ در اندیشه مقام رهبری ایشان را به طرح دیدگاه مهندسی فرهنگی واداشته است. مهندسی فرهنگی، از این منظر تلاش در جهت تقویت اجزای اصلی فرهنگ اسلامی و ملی کشور و پاسداشت آن در برابر نفوذ و تأثیر فرهنگ مخرب غربی، در پرتو چینی مناسب و تعیین جایگاه صحیح تمامی ابعاد و ویژگی‌های فرهنگی جامعه است و دستیابی به نتیجه در خور این تلاش‌ها، نیازمند طراحی صحیح مهندسی فرهنگی می‌باشد. این نوشتار با هدف بررسی جایگاه فرهنگ در گفتمان رهبری و نقش فرهنگ در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی درصدد پاسخگویی به این پرسش است، که چه رابطه‌ای میان مفهوم فرهنگ و تمدن نوین اسلامی در گفتمان رهبری انقلاب اسلامی ایران وجود دارد؟ در پژوهش حاضر، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است و برای گردآوری داده‌ها از روش اسنادی و کتابخانه‌ای بهره برده است تا مهمترین بنیان‌های فکری تمدن نوین اسلامی متأثر از فرهنگ را از دیدگاه مقام معظم رهبری با استناد به مجموعه آثار گفتاری و نوشتاری ایشان استخراج و ارائه نماید. این مقاله در قالب نظریه تمدن نوین اسلامی بر این فرضیه استوار است که از نظر مقام معظم رهبری فرهنگ زیربنای شکل‌گیری و گسترش تمدن نوین اسلامی در جامعه را فراهم آورده است. نتایج پژوهش نشان داده است که رابطه وثیق و معناداری میان فرهنگ و تمدن نوین اسلامی برقرار است. به گونه‌ای که فرهنگ در تحقق تمدن نوین اسلامی تأثیرگذار بوده و با توجه به مهم‌ترین مولفه‌های تمدن اسلامی که همانا خدا محوری بر مبنای کرامت انسانی و ارزش‌های فرهنگی و معنوی است، این گزاره تأیید می‌شود.

**کلمات کلیدی:** فرهنگ، گفتمان رهبری، تمدن نوین اسلامی، مهندسی فرهنگی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۷

نویسنده مسئول: f.mirzazade@gmail.com

### مقدمه

فرهنگ و تمدن از مهم‌ترین مولفه‌های تاریخی یک کشور و ملت محسوب می‌شود و در هر برهه تاریخی می‌تواند اعتلا و استحکام یافته و رهنمون‌کننده یک ملت به سوی سعادت و پیشرفت باشد. فرهنگ جز جدایی‌ناپذیر و بستر همه فعالیت‌ها، کنش‌ها، راهبردها، سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات اساسی یک کشور است و بنیان نهادن رویکرد یک جامعه و اهداف آن بر پایه یک فرهنگ متعالی می‌تواند به شکل‌گیری یک تمدن پویا، ماندگار و توسعه بخش بیانجامد. بر این اساس پرداختن به مقولاتی مانند فرهنگ و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در ایران حائز اهمیت بسیار و شایان توجه است. مقوله‌ای که همیشه مورد تأکید رهبری معظم انقلاب اسلامی و در متن راهبری داهیانه ایشان بوده است.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، با فداکاری و بصیرت مردم و احیای تمدنی نوین توسط امام خمینی (ره) در عصر بحران معنویت، تحولی نوین در جهان قرن بیستم اتفاق افتاد و ظهور انقلاب اسلامی و گسترش آن، به چالش اصلی غرب و یکی از موانع اصلی جهانی سازی فرهنگ لیبرال دموکراسی غربی شد. رویکرد آمریکا و دشمنان ایران پس از ناکامی در عرصه‌های گوناگون نظامی و سیاسی، بر راهبرد جنگ نرم تمرکز یافت. نوعی دگردیسی مفهوم جنگ از نگرش سخت افزارانه به رهیافت‌های نرم. بی توجهی به جنگ نرم، نظام‌های سلطه از جنگ نرم برای دگرگونی هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول نظام سیاسی بهره گرفتند تا نوعی سلطه در ابعاد سه گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ ایجاد نمایند. طرح موضوع جنگ نرم و خطر ناتوی فرهنگی، هشدار در همین زمینه تغییر راهبرد استکبار جهانی است که در تقابل با خیزش و حرکت بالنده اسلامی و دین‌گرایی در سطح منطقه به وجود آمده و قلمرو آن مجموعه جغرافیایی جهان اسلام می‌باشد. از این منظر و برای مقابله با تهاجم نوین جهان غرب، توجه به مقوله فرهنگ و تمدن نوین اسلامی اهمیت استراتژیک و ملی پیدا کرد و در گفتمان رهبر انقلاب اسلامی نیز محوریت خاصی یافت.

فرهنگ در جامعه اسلامی و انقلابی که دارای اهدافی متعالی با جهان بینی غایتمند الهی است، اهمیتی مضاعف می‌یابد و آثار مشخصی را در پی دارد. در اندیشه امام خامنای «فرهنگ یک ملت می‌تواند آن ملت را پیشرفته، عزیز، توانا، عالم، فناور، نوآور و دارای ابروی جهانی کند.» چراکه بستر اصلی زندگی انسان و حرکت سیاسی و علمی‌اش به شمار می‌رود [35]. از منظر ایشان فرهنگ به عنوان هویت ملی که روح و حقیقت یک ملت

### پیشینه پژوهش

در زمینه فرهنگ در اندیشه مقام معظم رهبری پیش از این تحقیقات متنوع و ارزشمندی صورت گرفته است و در قالب کتب، پایان نامه‌ها و مقالات به چاپ رسیده که برای غنای مطالب این مقاله و در نظر گرفتن نوآوری و پاسخ به سوالی که تاکنون بدان پاسخ داده نشده، مورد بررسی قرار گرفته است. احسان بابایی در کتاب «بایسته‌های فرهنگ عمومی از منظر مقام معظم رهبری»، مصادیق کاستی‌های فرهنگ عمومی را مورد مطالعه قرار داده است. محمد حسن جعفرزاده نیز در کتاب «منشور فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری» به ابعاد مختلف فرهنگ در دیدگاه مقام معظم رهبری تا سال ۱۳۹۳، پرداخته است. امیر سیاهپوش و علی آقاپور نیز در کتاب دیگری با جمع آوری همه مولفه‌های فرهنگ در اندیشه مقام معظم رهبری در چارچوبی دانشنامه‌ای تدوین شده است. این سه کتاب در عین تلاش برای تبیین فرهنگ و همه مولفه‌های آن از این حیث با ساختار مقاله پیش روی شما متفاوت هستند که به رابطه فرهنگ با شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی نپرداخته‌اند.

محمد حسین موحد در پایان نامه‌اش در سال ۱۳۹۶، به تاثیر فرهنگ قرآنی بر زندگی فردی و اجتماعی مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری پرداخته است که در واقع تاثیر فرهنگ بر زیست اجتماعی است. نفیسه سادات فاطمی قمی، نیز در همین سال فرهنگ سازمانی را در اندیشه مقام معظم رهبری مورد مطالعه قرار داده است. عذرا سفیدگری در سال ۱۳۹۴ تمرکز پایان نامه خود را بر خط مشی فرهنگی در دانشگاه با تکیه بر سخنان مقام رهبری گذارده است. هر یک از این پایان نامه‌ها بر بخشی تخصصی به لحاظ موقعیت اجتماعی و یا مقوله‌ای از فرهنگ پرداخته‌اند که از حیث جامعیت با مقاله حاضر متفاوت هستند.

مقالات رامین کریمی و همکاران در حوزه آسیب شناسی فرهنگی، علیرضا پناهی در حوزه دغدغه‌های فرهنگی امام خامنه‌ای و و زهرا عسگریان و محمد رحیمی در حوزه فرهنگ و اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری هر یک از دریچه‌ای بحث فرهنگ را در اندیشه امام خامنه‌ای مورد بررسی قرار داده و مفاهیم ارزشمندی را بیان کرده‌اند که این مقالات هم به لحاظ پرداختن به یک بعد تخصصی و همچنین خلا ارتباط فرهنگ با تمدن نوین اسلامی با مقاله حاضر تفاوت مطالعاتی دارند.

### ادبیات نظری

#### فرهنگ

واژه فرهنگ که در زبان انگلیسی "culture" و در عربی «الثقافة» نامیده می‌شود. در فرهنگ سخن، فرهنگ چنین

را می‌سازد، پایه و مبنای سایر عرصه‌های زیست اجتماعی است و «همه چیز مترتب بر فرهنگ است. فرهنگ، حاشیه و ذیل اقتصاد نیست، حاشیه و ذیل سیاست نیست، اقتصاد و سیاست، حاشیه و ذیل بر فرهنگ‌اند» [14].

عناصر تشکیل دهنده فرهنگ عمومی یک کشور از منظر ایت الله خامنه‌ای، عقیده، برداشت و تلقی هر انسانی از واقعیات و حقایق عالم و نیز خلیات فردی و اجتماعی است. عزم و اراده، غرور ملی، احساس توانایی، احساس قدرت بر اقدام و عمل و سازندگی، انضباط، نشاط، همکاری و مشارکت همگی خلیات اجتماعی تشکیل دهنده فرهنگ یک کشور هستند و موفقیت یک ملت و کشور در دستیابی به آرمان‌هایش، وابسته به همراهی ایمان و عقیده‌ی با این خلیات اجتماعی است. که آینده یک کشور را می‌سازد. [6].

آنگاه که ملزومات فرهنگ متعالی یک جامعه اسلامی پویا و ارمان خواه فراهم گردد می‌توان مقدمات پایه گذاری تمدن نوین اسلامی را نیز فراهم کرد. تمدن اسلامی تمدنی دینی است که همه جنبه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه را در بر می‌گیرد و ابعاد وجودی فرد و جامعه را بر محور اسلام پوشش می‌دهد. رهبر انقلاب در بیانیه مهم گام دوم انقلاب، با اشاره به ورود انقلاب اسلامی ایران به دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی، بر لزوم نزدیک کردن انقلاب به ارمان بزرگش یعنی ایجاد تمدن نوین اسلامی تاکید می‌کنند. شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه ایشان، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. ابتکار و خلاقیت، توجه به رسانه‌های مدرن، هنر، سینما، بهبود روابط بین‌الملل، صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای جدید بشری، شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی هستند که قابلیت این را دارند که جهان‌بینی مادی ظالمانه غرب را به سوی سعادت برهاند [13].

سوال اساسی این مقاله این است که فرهنگ در گفتمان رهبری چه تاثیر و جایگاهی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی دارد؟ برای پاسخ به این پرسش از روش توصیفی و تحلیل محتوا و متن و مطالعه کتابخانه‌ای بهره گرفتیم تا فرضیه مقاله را مورد تحقیق و بررسی قرار دهیم. در متن پیش روی شما فرضیه مقاله با این عبارت که: «به نظر می‌رسد از نظر مقام معظم رهبری فرهنگ زیربنای شکل‌گیری و گسترش تمدن نوین اسلامی است.» با بررسی جایگاه و اهمیت فرهنگ در گفتمان رهبری و نقش فرهنگ در تحقق تمدن نوین اسلامی در گفتمان رهبری تبیین و تحلیل می‌شود.

### رابطه تمدن و فرهنگ

مالک بن نبی، تمدن را مجموعه‌ای از شرایط اخلاقی و مادی می‌داند که برای هر فردی از افراد یک جامعه و در هر مرحله از مراحل وجودی آن، فرصتی را فراهم می‌آورد که انسان در سای این نیرو و ظرفیت وجودی بتواند رشد کند [1]. این رشد صرفاً در حوزه پیشرفت‌ها و توسعه مادی رخ نمی‌دهد چراکه: تمدن مجموعه‌ای از عناصر مادی و معنوی است که جامعه را مهیای رشد و توسعه می‌سازد [3]. اساساً مقوله فرهنگ تمدن «مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر در یک منطقه، کشور یا عصر معین یا حالات پیشرفته و سازمان یافته فکری و فرهنگی هر جامعه که نشان آن پیشرفت در علم و هنر و ظهور نهادهای اجتماعی و سیاسی است» [48]. ویل دورانت بروز خلاقیت فرهنگی را از دل نظم اجتماعی تبیین می‌کند و می‌نویسد: «تمدن را می‌توان به شکل کلی آن، عبارت از نظمی اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند» [60].

اساساً هر تمدنی بر پایه‌ی پیشینه‌های تاریخی - اجتماعی، پیش‌گمانه‌های معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی خاص و مشتمل بر فرهنگ و آداب و رسوم و هنر و ادبیات و نظام اجتماعی مخصوص به آن، استوار است [60]. مالک بن نبی که به فیلسوف تمدن معروف است، سه گانه انسان، زمان و زمین را در نظریه تمدنی خویش عوامل اصلی بروز تمدن می‌داند. عامل اراده انسانی در کنار محدوده جغرافیایی و زمان بروز و ظهور یک فرهنگ که در کنار دین و فرهنگ به عنوان مولفه‌های ساختار ساز و محتوا افرین قرار می‌گیرد [2].

بنابراین فرهنگ در تمدن تنها دربرگیرنده وصول به کمال مادیات نیست و نیل به کمال اخلاقی، صفات انسانی و ملکات را نیز در خود دارد. با این نگاه حقیقت تمدن دستیابی انسان به ملکوت مادی و معنوی و کمال متعالی است هدفی که سرلوحه ادیان و پیامبران الهی بوده است [38]. عنصر اخلاقی که جامعه بشری را می‌سازد به‌عنوان یکی از مولفه‌های فرهنگی تمدن، نقش مهمی در برقراری ارتباطات اجتماعی و تشکیل شبکه قوی روابط اجتماعی دارد. در واقع هرگونه رابطه‌ای در جوهر خود یک ارزش فرهنگی است که توسط قواعد اخلاقی صورت‌بندی می‌شود. البته مراد بن نبی از اخلاق در اینجا، اخلاق فلسفی نیست بلکه اخلاق اجتماعی است که ناشی از روحیه اخلاقی برآمده از ادیان اسمانی است که وظیفه اصلی آن ایجاد ارتباط و پیوند بین افراد در جامعه است [61].

تعریف شده است: «فرهنگ: پدیده کلی پیچیده‌ای از گرداب، رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که در طی تجربه تاریخی اقوام شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعدی است [48]. در کتاب تاریخ و تمدن اسلامی علی اکبر ولایتی فرهنگ را مجموعه‌ای از سنت‌ها، آداب و اخلاق فردی یا خانوادگی اقوامی تعریف می‌کند که پابندی ایشان به این امور باعث تمایز آن‌ها از دیگر اقوام و قبایل می‌شود. به عبارت دیگر، فرهنگ مجموعه باورهای فرد یا گروهی خاص است و چون باورها ذهنی‌اند پس فرهنگ جنبه عینی ندارد [59].

گفتمان مقام معظم رهبری، «باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سر و کار دائمی دارند و الهام بخش مردم در حرکات و اعمال آن‌ها است». ایشان گستردگی فرهنگ را به هوایی که انسان تنفس می‌کند، تشبیه می‌کنند و تأکید دارند که هوای فرهنگ هم مانند هوایی که تنفس می‌کنیم باید تمیز و عاری از آلودگی باشد تا آثار مثبتی در پی داشته باشد [11].

### مبنای شکل‌گیری تمدن‌ها

تمدن در زبان انگلیسی "civilization" و در عربی «الحضاره» خوانده می‌شود و در لغت به معنای شهرنشینی و از ریشه مدینه و مدنیت گرفته شده است و به شیوه زندگی در جامعه اشاره دارد [44]. تمدن یک پدیده اجتماعی است که در سیر تاریخی متأثر از عوامل مختلفی پدید می‌آید. ابن خلدون تمدن را حالت اجتماعی انسان و توین بی حاصل نبوغ اقلیت مبتکر و نوآور می‌داند. ویل دورانت نیز آن را نتیجه وجود نظم اجتماعی عنوان می‌کند. بر این اساس تمدن مبنایی اجتماعی دارد و جامعه نیز به گروهی از انسان‌ها گفته می‌شود که در قلمرو جغرافیایی مشخصی زیست می‌کنند و فرهنگ مشترکی دارند. اما مبنای شکل‌گیری تمدن در جوامع انسانی چه می‌تواند باشد؟ ابن خلدون عصبیت را محور تبیین حرکت‌های تاریخ و صعود و سقوط تمدن‌ها می‌داند. عصبیتی که ناشی از همبستگی اجتماعی و حتی دین است، اما در نگاه توین بی، برآوردن نیازها و رفع محدودیت‌های بشر عامل خلق تمدن‌ها است. از منظر او تمدن واکنش بشر است به تهاجمات و سختی‌های طبیعت که خلاقیت انسان را برمی‌انگیزد. ویل دورانت مبنای شکل‌گیری تمدن را ارزش‌های هدفمند و متعالی می‌داند که به نهادینه شدن همکاری و تعاون در جامعه می‌انجامد. از نظر ویل دورانت شالوده تمدن را نیز اخلاقیات شکل می‌دهد [52].

سبک زندگی نمی‌تواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد [20].

مقام معظم رهبری در تبیین مفهوم تمدن اسلامی، فرهنگ را فضای رشد و اعتلای انسان برای دستیابی به غایات مطلوب مد نظر خالق، برای داشتن یک زندگی خوب و عزتمند عنوان می‌کند و تمدن اسلامی به معنی فضای به‌وجود آورنده انسان عزیز، دارای قدرت، دارای اراده و ابتکار برای سازندگی جهان طبیعت است که هدف و ارمان نظام جمهوری اسلامی است [22].

لوازم اصلی تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری سه مولفه اساسی است:

۱- **ایمان و ایدئولوژی** - ایشان ایدئولوژی، مکتب و فکر را موتور اصلی و محرک تمدن سازی یک ملت می‌دانند.

۲- **عدم الگوبرداری و تقلید از غرب** - اصلاح سبک زندگی، رفتار اجتماعی و اخلاق و فرهنگ مبتنی بر تمدن نوین اسلامی و مواجهه با تمدن غرب.

۳- **اصلاح سبک زندگی** - مسائلی نظیر خانواده، لباس، الگوی مصرف، نوع مسکن، ازدواج، تفریح، کسب و کار و رفتارهای فردی و اجتماعی که مبتنی است بر تفسیر افراد از زندگی که همان فرهنگ جامعه است. فرهنگ اهداف را تعیین می‌کند و مطابق آن سبک زندگی شکل می‌گیرد [20].

### ایمان و ایدئولوژی ← فرهنگ و تفسیر از زندگی ← اهداف ← سبک زندگی ← تمدن نوین اسلامی

با در نظر گرفتن مباحث نظری فوق در اندیشه و کلام رهبری و متفکران می‌توان به این نتیجه رسید که مولفه اساسی شکل دهنده به تمدن نوین اسلامی، فرهنگ است و تاکید مقام معظم رهبری بر مقوله فرهنگ نیز بر همین مبنا است. ایشان در تشریح کارویژه‌های فرهنگ بر مولفه‌های سازنده تمدن نوین اسلامی تاکید می‌کنند که در ادامه بدان اشاره می‌کنیم.

### فرهنگ و کارویژه‌های اصلی و اساسی سازنده تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام رهبری

#### ۱- کارویژه الهام بخشی و شکل دهی به رفتار و کردار (سبک زندگی)

با این مقدمه می‌توان چنین نتیجه گرفت که برای بر ساختن تمدن نوین اسلامی و حرکت به سوی آن درگاه ورودی و بستر اصلی فرهنگ است. مقوله‌ای که در گفتمان مقام معظم رهبری، همواره محوری بوده است و یکی از کارویژه‌های آن

از منظر ابن نبی، ادیان کارکردی اجتماعی دارند و می‌تواند تمدن آفرین باشند. در واقع نقطه ثقل سرنوشت تمدن‌ها فرهنگ است و این مبانی و مفاهیم دینی اسلام است که در ساختار فرهنگ، مناسبات اجتماعی و سبک زندگی را تعیین می‌بخشد و تمدن اسلامی را رقم می‌زند [2].

وقتی سخن از تمدن اسلامی به میان می‌آید معمولاً برهه‌ای از زمان به مدت ۵ قرن، از سده دوم تا هفتم قمری مراد است که در سرزمین‌های فتح شده به دست اعراب مسلمان حاکم بوده است و تأثیرات گسترده‌ای را در زمینه‌های فلسفه، تاریخ، طب و حکمت از خود به جای گذاشته است [4]. اما تمدن اسلامی در حقیقت ویژگی‌هایی از زندگی اجتماعی است که متأثر از اسلام است. مراد از فرهنگ نیز صرفاً آداب و رسوم نیست. همانگونه که مقام معظم رهبری فرموده‌اند: منظور ما از فرهنگ، عقاید و اخلاق است. فرهنگ، باورها و ارزش‌ها است و مسائل دیگر جنبه فرعی و ثانوی دارد. آداب و رسوم، ماهیت فرهنگ را عوض نمی‌کند. حقیقتاً جایی که اسلام در زندگی اجتماعی مردم اثر می‌گذارد در بعد فرهنگی است و به وسیله فرهنگ با تمدن ارتباط پیدا می‌کند. به همین خاطر مسائل فرهنگی و تمدن با هم آمیخته است. [58].

### تمدن نوین اسلامی

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی پایه گذاری تمدن نوین اسلامی بود. با بررسی دیدگاه‌ها و سخنان مقام معظم رهبری در خصوص موضوع تمدن اسلامی، به درستی روشن می‌شود که ایشان هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی را، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی می‌دانند. تمدن نوین اسلامی از دیدگاه ایشان دو بخش دارد:

۱- **بخش ابزاری** که عبارت است از ارزش‌های لازم برای پیشرفت کشور مانند علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین المللی و ...

۲- **بخش متنی، اصلی و اساسی** که سبک زندگی است. همان چیزهایی که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد. مثل مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، تفریحات، خط، زبان، کسب و کار، رفتار ما در محل کار، دانشگاه، مدرسه، فعالیت سیاسی، ورزش، رسانه‌ای که در اختیار ما است، پدر و مادر، فرزند، رئیس، مرئوس، پلیس، دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، دشمن، بیگانه؛ این‌ها آن بخش‌های اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است.

مقام معظم رهبری معتقدند که پیشرفت در بخش سخت افزاری تمدن یعنی همان ابزار به تنهایی و بدون پیشرفت در

الهام بخشی و سامان دهی رفتار و کردار انسان‌ها است. به مثابه: «باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، ... و الهام بخش مردم در حرکات و اعمال آنها است» [11]. مقام معظم رهبری فرهنگ را به مثابه هوایی که انسان ناگزیر است در هر شرایطی تنفس کند، تعریف کرده و می‌فرماید: «چون فرهنگ، به معنای هوایی است که ما تنفس می‌کنیم؛ شما ناچار هوا را تنفس می‌کنید، چه بخواهید، چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، اثری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هوا است» [11]. بنابراین این عنصر الهام بخش می‌بایست عاری از هر گونه الودگی و زنگار باشد. چراکه برای جامعه اسلامی اهمیت و نقش فرهنگ صحیح، اهمیتی مضاعف می‌یابد و می‌تواند ملتی پیشرفته، عزیز، توانا، عالم، فناور، نوآور و دارای ابروی جهانی بسازد. چراکه فرهنگ بستر اصلی زندگی، و حرکت عمومی سیاسی و علمی است [36].

حرکت هر جامعه‌ای براساس فرهنگ آن جامعه است. اندیشیدن و تصمیم‌گیری جامعه براساس فرهنگی است که بر ذهن آنها حاکم است. دولت و دستگاه حکومت نمی‌تواند از این واقعیت به این اهمیت، خود را کنار نگذارد. در اندیشه مقام معظم رهبری: «فرهنگ مثل توری است که ماهی‌ها بدون این که خودشان بدانند، در داخل این تور دارند حرکت می‌کنند و به سمتی هدایت می‌شوند. ما مسئولیت داریم این فرهنگ را بشناسیم؛ اگر ناصواب است، آن را تصحیح کنیم؛ اگر ضعیف است، آن را تقویت کنیم؛ اگر در آن نفوذی هست - مانند مثال‌هایی که ایشان در باب اینترنت زدند - دست نفوذی را قطع کنیم. بنابراین فرهنگ به عنوان شکل دهنده‌ی به ذهن و رفتار عمومی جامعه هم یکی از میدان‌های اساسی است» [13]. انضباط، اعتماد به نفس ملی، اعتزاز ملی، قانون‌پذیری، غیرت ملی، فرهنگ ازدواج، فرهنگ رانندگی، فرهنگ خانواده، فرهنگ اداره و فرهنگ لباس» [14]. از مهم‌ترین بخش‌های فرهنگ رفتاری هستند که بحث ضرورت مهندسی فرهنگی در راستای تاثیرگذاری بر همین فرهنگ عمومی مطرح شده است.

## ۲- بصیرت‌زایی (بخش اصلی و اساسی)

بصیرت، آگاهی و بینش صحیح یکی از مهم‌ترین مقوله‌های فرهنگی جامعه مسلمان است. در پرتو بصیرت می‌توان حق را از باطل و دوست را از دشمن به خوبی بازشناخت و در رخدادهای حساس، واکنشی صحیح و مناسب نشان داد. بصیرت در سیره رسول اکرم (ص) که رسالت اصلی‌اش روشنگری و آگاهی دادن به مردم برای رشد عقلی و علمی، فرهنگی و ترک آداب و رسوم

جاهلی بود، به وضوح دیده می‌شود و اساسا سیره و منش امامان هدی (ع) نیز بوده است. پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) هم خود بصیر بودند و هم جامعه را به بصیرت و آگاهی فرامی‌خواندند.

یکی از مهم‌ترین راهبردهای مورد تاکید مقام معظم رهبری، به ویژه در حوادث پس از انتخابات سال ۸۸، برای مقابله با جنگ نرم، "بصیرت" احاد جامعه به ویژه خواص و نخبگان بود. ایشان بصیرت را قطب نمای حرکت صحیح در اوضاع اجتماعی پیچیده امروز می‌دانند و می‌فرمایند: «اگر بصیرت نباشد، انسان حتی با نیت خوب ممکن است گمراه شود و در راه بد قدم بگذارد» [37].

بصیرت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مولفه‌ها و کارویژه‌های فرهنگی مورد نیاز جامعه اسلامی است و می‌بایست در همه اقشار جامعه بخصوص جوانان، روحانیان، متعهدان، فرهنگیان، دانشگاهیان و حوزویان رشد کند تا تبیین‌کننده هدف، وسیله، شناخت دشمن، شناخت موانع، راه‌های جلوگیری و برداشتن موانع باشد [37].

بنابراین بصیرت به‌عنوان یکی از کارویژه‌های فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری، نیاز همه نسل‌ها و اقشار جامعه و به‌خصوص نخبگان برای تشخیص صحیح از ناصحیح و سره از ناسره است و همت جامعه اسلامی باید درک و کسب این مهم باشد.

## ۳- تقویت سرمایه اجتماعی (بخش اصلی و اساسی)

سرمایه اجتماعی کارویژه‌ای دیگر از فرهنگ است. سرمایه اجتماعی با مولفه‌های وفاداری، اعتماد و امید شالوده‌های نظم و نظام اجتماعی را مستحکم و انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند. جامعه دارای این سرمایه می‌تواند در برابر جنگ نرم دشمنان خود مقاومت کند. سرمایه اجتماعی به مثابه منبع کنش جمعی، نشانه یک جامعه قوی بوده و بخشی از "فرایند ظرفیت‌سازی" است. موفقیت جامعه و افراد آن و امنیت جامعه به سرمایه اجتماعی بستگی مستقیم دارد [5].

با درک اهمیت سرمایه اجتماعی به‌عنوان منبع قدرت یک کشور، از منظر مقام معظم رهبری «دشمنان ... می‌دانند اگر این سرمایه‌های اجتماعی از دست یک ملت گرفته شود، ... اگر ملت غیرت ملی و وحدت و همبستگی خود را ... نشاط کار و ابتکار را ... و حرکت علمی رو به پیشرفت خود را از دست بدهد، کاملا در دسترس دشمنان قرار خواهد گرفت؛ می‌توانند راحت به او زور بگویند، می‌توانند بر او سلطه پیدا کنند، می‌توانند منابع طبیعی و مادی او را هم غارت کنند» [20].

بستر سازی پیشرفت علمی، اقتصادی و سیاسی، تقویت سرمایه اجتماعی و در نتیجه استحکام و انسجام اجتماعی برای مقابله با هر گونه تهدید و تقویت اتحاد و همبستگی همه اقشار و گروه‌های اجتماعی از منظر مقام معظم رهبری با فراهم شدن این ملزومات اساسی می‌تواند جامعه‌ای ایمن، رشد یافته و قوی مبتنی بر تمدن نوین اسلامی بسازد فراهم شدن این ملزومات نیازمند برنامه ریزی و مهندسی فرهنگی است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

## ضرورت و امکان مهندسی فرهنگی و وابستگی سیاست و اقتصاد به فرهنگ

### ۱- ضرورت مهندسی فرهنگی

در پاسخ به این سوال اساسی که چرا جامعه ما نیازمند «مهندسی فرهنگ» و «مهندسی فرهنگی» است باید خاطرنشان ساخت که فرهنگ نظامی است شامل باورهای بنیادین و پیش فرض‌های اصلی اعتقادی انسان‌ها به نظام هستی و جایگاه انسان در آن، که از درون آن، ارزش‌ها و هنجارهای زندگی استخراج می‌گردد و این نظام رفتارهای انسان‌ها را در برابر خالق، دیگر انسان‌ها، خود و طبیعت، شکل می‌دهد و بر آن‌ها تاثیر می‌گذارد. وقتی در قالب نظام (سیستم) داده و ستاده، سه رکن اعتقادات، ارزش‌ها و رفتارهای انسان مطالعه می‌گردد، متوجه می‌شویم، که هم از رهگذر تغییر باورها، رفتار انسان‌ها تغییر می‌کند و هم با پذیرش رفتارهای جدید از محیط پیرامونی، به تدریج و به آرامی نوع باورهای انسان‌ها تغییر می‌یابد. با درک و پذیرش این بحث، متوجه می‌شویم که تغییرات فرهنگی در یک جامعه، حاصل تغییرات فکری، ذهنی و رفتاری همه انسان‌ها در یک جامعه و مبادلات فرهنگی، فکری و علمی، تکنولوژیکی با سایر جوامع است و حال اگر به هر دلیلی، وجود و تداوم باورهایی برای ادامه حیات هدفمند یک جامعه ضرورت داشته باشد، منطقاً باید همه اعضای یک جامعه در هر موقعیتی در حفظ و تداوم آن باورها حساس شوند.

### ۲- وابستگی سپهر سیاست و اقتصاد به فرهنگ

داده‌ها و ستاده‌هایی که بین سه وجه کلی جامعه، یعنی اقتصاد، سیاست و فرهنگ وجود دارد، نشان می‌دهد هر اقدام مثبت یا منفی در فرهنگ، سیاست یا اقتصاد رخ دهد، پس از اصلاح یا تخریب آن بخش، بلافاصله یا به تدریج بر ابعاد دیگر جامعه اثر می‌گذارد. درک علمی مفهوم فرهنگ و تاثیر آن در عرصه اقتصاد و سیاست نشان می‌دهد که باورها و ارزش‌هایی که عامل اصلی و محوری ایجاد نظام قدرتمند اسلامی هستند،

بنابراین این مولفه مهم اجتماعی و فرهنگی می‌تواند یک جامعه را هم در برابر دشمن و توطئه‌هایش بیمه کند و هم بسترهای توسعه و پیشرفت را فراهم نماید و می‌بایست برای همه واجد اهمیت و برنامه ریزی باشد.

## ۴- ابزار ایجاد اتحاد (بخش اصلی و اساسی)

فرهنگ می‌تواند بستر ساز وحدت و انسجام اجتماعی در میان همه اقوام، مذاهب و گروه‌های اجتماعی باشد. یکی از اهداف دشمن ایجاد اسبب و اختلال در وحدت نظم اجتماعی است. ایجاد اختلاف و تقابل، درگیری بین اقوام و مذاهب گوناگون و تنش بین جریان‌های سیاسی، از مهم‌ترین اهداف دشمنان در مقابله با کشور به شمار می‌رود.

راه مقابله با این جنگ فرهنگی شناخت ابزارهای دشمن و خنثی کردن اثر آن‌ها است. به بیان مقام معظم رهبری: «دشمن ... با استفاده از ابزارهای فرهنگی و ارتباطاتی پیشرفته و با شایعه و دروغ پراکنی و استفاده از برخی بهانه‌ها، میان احاد مردم تردید، بدبینی و اختلاف ایجاد [می‌کند] ... تا دل‌های مردم نسبت به یکدیگر و نسبت به مسئولان چرکین شود» ایشان بصیرت را یکی از مهم‌ترین راه‌های مقابله با این ترفند دشمن می‌دانند بر اتحاد مردم و جریان‌ات سیاسی براساس مصالح ملی، در مقابل دشمن و عناصر فریب خورده آن‌ها تاکید می‌کنند [17].

این وحدت می‌تواند خود را نمازهای جمعه، راهپیمایی‌ها، نماز عید فطر و ... نشان دهد. (بیانات رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲) و تاکنون نیز ملت ایران در این عرصه‌ها به‌خوبی در مقابل توطئه دشمنان ایستاده و بصیرت و روشن بینی خویش را به نمایش گذارده است.

## ۵- کارویژه بستر سازی پیشرفت (بخش ابزاری)

کارویژه دیگر فرهنگ، هدایت جامعه به سوی رشد اقتصادی و رفاه و پیشرفت است. اما چه فرهنگ واجد این قابلیت است؟ «فرهنگی که با مبانی اسلامی و منطق و عقل و خرد، همسان و همگام باشد، زمینه‌ای خواهد شد که جامعه، ثروتمند هم بشود، عالم هم بشود، از لحاظ سیاسی هم قدرت پیدا کند، از لحاظ آزادی هم به اهداف خودش برسد [22]. چنین فرهنگی به تصمیم‌های کلان کشور، جهت می‌دهد و در تولید، خدمات، ساختمان سازی، کشاورزی، صنعت، سیاست خارجی و تصمیمات امنیتی، حدودی را معین می‌کند.

در مجموع می‌توان گفت که مقوله مهم فرهنگ با کارویژه‌های الهام بخشی و شکل دهی به رفتار و کردار جامعه،

آنچه را که دارند. فرهنگ ایرانی اسلامی از قدرت و غنای کافی برخوردار است و این را در طی تاریخ طولانی خود ثابت کرده و با وجود تمام حملات توانسته است خود را حفظ کند. نمونه آن زبان فارسی رایج است که «حدود ۱۲۰۰ سال ذخیره فرهنگی برجسته دارد که می‌توان از آن برای پیشبرد فرهنگ بشری استفاده کرد و به آن غنا بخشید» [12].

#### ۴- مبنای مهندسی فرهنگی در پیوند با ایمان و ایدئولوژی

حال با درک اهمیت مهندسی فرهنگی می‌بایست به این سوال پرداخت که چه مهندسی فرهنگی‌ای مطلوب ما است و می‌تواند ما را در رفع آسیب‌های اجتماعی کمک کند؟ مهندسی فرهنگی‌ای که منبعث از اصول و مبانی فرهنگ اسلامی و ملی باشد [53]. رسالت اصلی نظام مهندسی فرهنگی ایجاد جامعه ایده‌آل با الهام از آیات الهی است. تحقق این نظام مستلزم سامانه‌ای است که بتواند متولی مهندسی جامعه الهی باشد و اولاً از ظرفیت تمامی مجموعه‌های موجود استفاده نماید، ثانیاً آن‌ها را به‌نحو مناسبی به‌هم پیوند دهد تا در سیری چند مرحله‌ای و در سطوح مختلف با هدف مشترک و با هماهنگی فعالیت نمایند، ثالثاً طرح‌ها و برنامه‌ها باید با نظام هوشمندانه و توسعه‌پذیری مدیریت و کنترل گردد [39].

بر این اساس کار خلیفه الهی بیش از آنکه سیاسی یا نظامی یا اقتصادی باشد، فرهنگی است و سیاست و اقتصاد و نظامی‌گری جملگی صورتی الی و وسیله‌ای می‌باشند که در خدمت تعلیم و تربیت و ارتقای معنوی انسان‌ها که هدف غایی است قرار می‌گیرند. مجموعه باورهایی که منجر به ایران مستقل و قوی شده است در برابر هجمه فرهنگی دشمن نیازمند حراست و تقویت است. این حراست و تقویت با برنامه ریزی و ایجاد راهبردهای موثر و مناسب در قالب مهندسی فرهنگی اتفاق می‌افتد و شورای عالی انقلاب فرهنگی در این زمینه به عنوان نهاد مسئول می‌تواند پیش‌تاز و کارآمد باشد تا از این رهگذر بتوان تمدن نوین اسلامی را تقویت نمود.

#### تلازم فرهنگ و تمدن نوین اسلامی و شاخصه‌های فرهنگی آن از دیدگاه مقام معظم رهبری

در این مبحث به بررسی تاثیر فرهنگ بر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی پرداخته می‌شود. در عبارت "تمدن نوین اسلامی"، صفت "نوین" به "تمدن" اضافه گردیده و با اصطلاح "اسلامی" شرح داده شده است: آنچه این تمدن را از تمدن غرب متمایز می‌کند، مبانی هستی‌شناسی، جهان بینی و

تولید کننده و اشاعه دهنده امواج انقلاب اسلامی در سطح جهان نیز هستند، و همین باورها با اقدامات از پیش طراحی شده سازمان‌های استکبار جهانی مورد هدف قرار گرفته‌اند که رهبر معظم انقلاب از آن به‌عنوان تهاجم فرهنگی یاد کرده است. این باورها با تاثیرگذاری علوم ناقص و وابسته غربی، به ویژه در حوزه علوم انسانی، ضعیف می‌شوند و از رهگذر توسعه نظام سرمایه داری لجام گسیخته حاکم بر جهان در قالب توانمندی‌ها و سازمان دهی‌های جهانی، تهدید و تخریب می‌گردند. از این رو لازم است برای مواجهه با این مجموعه عوامل مخرب، همواره فعالیت‌های متناسب طراحی و اجرا شود [8].

#### ۳- لزوم برنامه ریزی مهندسی فرهنگی توسط کارگزار فرهنگ

مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور فعالیت و کنش نظام فرهنگی کشور برای مقابله با اقدامات مخرب فرهنگی دشمن خواهد بود. از منظر مقام معظم رهبری این مهندسی عمق و پیچیدگی بالایی در حوزه مدیریت راهبردی کشور دارد. اجرای این وظیفه به کمک بهره‌گیری از نتایج تلاش‌های علمی، پژوهشی و مطالعاتی در موضوع فرهنگ و توسعه فرهنگی و در اختیار داشتن اطلاعات استراتژیک فرهنگی با رصد مستمر فرهنگی کشور و جهان ممکن می‌شود. شورای عالی انقلاب فرهنگی در این زمینه به‌عنوان متولی فرهنگی کشور در صورت داشتن عقبه علمی-فکری مناسب و اتاق‌های فکر برای تامین دانش و بصیرت مدیریت راهبردی فرهنگی کشور می‌تواند موفق عمل کند [29].

این شورا در راستای مهندسی فرهنگی می‌تواند به تبیین این مهم بپردازد که «فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی و حرکت عظیم درون زاء، سیورورت بخش و کیفیت بخشی که به عنوان فرهنگ در درون انسان‌ها و در جامعه لازم است وجود داشته باشد، چگونه باید باشد. اشکالات و نقایصی که در وضعیت موجود دارد چیست و چگونه باید رفع شود» [9].

باید انسان از خود بیگانه شده را به خود آورد و نظام مفاهیمی را که منطق استعماری در وجدان او به وجود آورده است نابود ساخت، اعتبار نظام‌های نمادی قبل از تسلط استعماری را تجدید کرد و به جامعه، فریادها، سرودها و تصاویری را که استعمارگران دزدیده‌اند، بازگرداند [43].

این‌ها عملی نخواهد شد مگر با فرهنگ ملی که تنها وسیله‌رهایی از استعمار است. با برنامه ریزی دقیق و کار و تلاش بیشتر باید فرهنگ ملی را تقویت و به جامعه معرفی کرد؛ یعنی

مهمترین دغدغهای که به انجام تحقیق حاضر منتهی شده است، بحث چگونگی تحقق تمدن نوین اسلامی در راستای اهداف حضرت مقام معظم رهبری است که طرح تمدن نوین اسلامی را مطرح کرده‌اند و لازم است الزامات تحقق این آرمان از جهات مختلف بررسی شود. «در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی، ضروری است که به‌طور همزمان دو جنبه ابزاری و حقیقی تمدن مورد توجه قرار گیرد» [44].

تمدن عظیم اسلام پس از قرن‌ها درخشش و الهام بخشی به سایر تمدن‌ها و ملل جهان، دچار افول و رکود شد. اما در عصر حاضر، با شکل‌گیری انقلاب اسلامی با رویکردی دینی و با آرمان سعادت حقیقی بشر مجدداً وارد حرکتی نوین شد که در نگاهی کلان، می‌توان آن را ادامه بعثت پیامبر اکرم (ص) و حرکتی تاریخی در مسیر احیای تمدن عظیم اسلامی در نظر گرفت.

در این بخش از بحث با بررسی مهم‌ترین مولفه‌های فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری که در ارتباط مستقیم با شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی دارد، چگونگی این تأثیر را مورد تحقیق قرار داده‌ایم. مهم‌ترین مولفه‌های تأثیر فرهنگ بر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارتند از:

### ۱- خودباوری

احساس هویت و خودباوری، به معنی اتکا به ارزش‌های اصیل الهی و ارزش‌های بومی است. اتکای به خود، افقی جدید می‌گشاید که برپایه برساختن جامعه‌ای است که در نقطه مقابل جامعه آرمانی مورد نظر تمدن مادی غربی قرار می‌گیرد. از جنبه‌های پایدار اقتدار نرم، مفتخر بودن یک جامعه به سنن، تاریخ، حال و امید به آینده است. منشا این اعتماد به نفس را می‌توان در منابع بسیاری جست‌وجو کرد. افتخار به آیین و مذهب، رضایت از زندگی در جامعه خودی، ارجحیت دادن فکر و کالای کشور خود به دیگر کشورها، آمادگی برای هزینه دادن در راستای استقلال سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی و بسیاری موارد دیگر از جمله این منابع می‌باشد.

افزایش مولفه‌های خودباوری در کنار ایجاد استحکام درونی، جلوه‌های جذاب و عمیقی نیز در ارتباطات خارجی یک کشور بازی می‌کند. در حقیقت اعتماد به نفس، یکی از جذابیت‌هایی است که در نگاه ناظران خارجی به افراد، جامعه و ساختار یک کشور اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. تسلط بر جوامعی که افراد آن دارای اعتماد به نفس هستند، بسیار دشوار خواهد بود.

امام خاتمی (مدظله العالی) نیز با درایت خود بر این مهم تأکید بسیاری دارند و اعتماد به نفس ملی به‌وجود آمده در دهه‌های اول انقلاب را متأثر از بروز انقلاب اسلامی، فرایند

انسان‌شناسی است که در سبک زندگی، شیوه استفاده از منابع و ظرفیت‌های خدادادی و ارزش‌گذاری بر بعد حیوانی انسان نمود و تجلی پیدا می‌کند. بحث تمدن نوین اسلامی با اعلام بیانیه مهم گام دوم انقلاب رهبر انقلاب اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرد [40].

تمدن نوین اسلامی جامعه‌ای است که شاخص اصلی آن بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است [43].

تمدن نوین اسلامی، عبارت است از ظهور و بروز مادی و معنوی پیشرفت‌های هدفمند، سیستماتیک و نوظهور امت اسلامی، با محوریت ایران، براساس تعالیم اسلامی در تمامی عرصه‌های اجتماعی، که شکلی معنادار و منضبط به خود گرفته است [50].

به نظر می‌رسد این تعریف از تمدن اسلامی دقیق‌تر و جامع‌تر باشد؛ تمدن نوین اسلامی در واقع تمدنی است که ضمن پاسخگویی به نیازهای طبیعی و مادی انسان‌ها بعد معنوی و روحی آنان را به سمت کمال و سعادت راهنمایی می‌کند و این ساختار مطلوب که ریشه در برنامه‌های انسان‌ساز اسلامی دارد نه تنها بعد مادی و سخت‌افزاری تمدن را نفی نمی‌کند بلکه به آن جهت داده و آن را از افاتی که بشر دچار آن شده است مثل پوچ‌گرایی، عدم احساس امنیت، نابرابری و فقدان معنی در زندگی نجات خواهد داد. رهبر انقلاب تمدن نوین اسلامی را ایمان، علم، پیشرفت، عزت، عدالت، قدرت، مقابله با امواج جهانی، ثروت، اخلاق و مجاهدت مداوم بر می‌شمارند و تولید فکر از اقیانوس عظیم معارف و پرورش انسان با کمک علمای دین، مدیران جامعه و احاد مردم را دو عنصر اساسی برای ایجاد تمدن نوین اسلامی می‌دانند.

رهبر انقلاب در بیانیه مهم گام دوم انقلاب، به ورود انقلاب اسلامی ایران به دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی اشاره و بر لزوم نزدیک کردن انقلاب به آرمان بزرگش یعنی ایجاد تمدن نوین اسلامی تأکید می‌کند (روحی، ۱۳۹۴: ۱۹). در اندیشه ایشان شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. ایت‌الله خامنه‌ای از ابتکار و خلاقیت، توجه به رسانه‌های مدرن، هنر، سینما، بهبود روابط بین‌الملل، صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای جدید بشری به عنوان شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی یاد می‌کند که همین شاخصه‌ها قابلیت این را دارند که جهان‌بینی مادی ظالمانه غرب را به سوی سعادت برهاند [41].

دفاع مقدس و شخصیت و منش امام خمینی (ره) عنوان می‌کنند که در حال حاضر نیز بر اثر پیشرفت‌های گوناگون به نصاب قابل قبولی رسیده است. اما همچنان «بیم آن هست که در عرصه جنگ‌های روانی و تبلیغاتی و به اصطلاح جنگ نرم بین ما و دشمنانی که بسیار اصرار بر ادامه این نبرد دارند، این اعتماد به نفس یا خدشه پیدا کند، تضعیف شود، متزلزل بشود.» [26].

برای مقابله با این جنگ روانی مردم و به‌ویژه نخبگان می‌بایست هوشیار باشند و عواملی که باعث تضعیف اعتماد به نفس ملی می‌شود نفی کنند. یکی از مهم‌ترین عوامل مصونیت در برابر این هجمه از منظر ایشان علم و دانش است و دشمن برای آسیب رساندن به اقتدار و آینده کشور علم و پژوهش را هدف می‌گیرد [26].

خودباوری و اعتماد به نفس ملی که با وقوع انقلاب اسلامی تبلور یافت می‌بایست با هوشیاری همگان به‌خصوص جامعه نخبه و دانشگاهی حفظ شود و توسعه یابد و در برابر تبلیغات روانی دشمن برای منحل کردن تمدن دینی در تمدن مادی خودش، و ایجاد احساس «تحقیر»، «فریفتگی» و «انحلال»، با علم آموزی و گسترش دانش و پژوهش مصونیت پیدا کند.

## ۲- توجه به جایگاه مسجد به عنوان پایگاه مقبول اجتماعی

مسجد در فرهنگ اسلامی، به‌عنوان مرکز تجمع مسلمانان و محل گفت‌وگوها، تبادل ارا، اندیشه‌ها و مکان اتخاذ تصمیم‌های مهم، ایجاد و تعیین شده است (توبه/۱۰۷). مسجد به مثابه اصلی‌ترین مکان در تمدن اسلامی از صدر اسلام، مرکز رخداد تمامی اموری بود که در مسائل اجتماعی به جهان اسلام و مسلمین مربوط می‌شد [4]. جایگاه مسجد در اسلام با جایگاه معابد در ادیان دیگر کاملاً متفاوت است و نقطه تفاوت آن جایگاه اجتماعی و سیاسی آن است. مسجد علاوه بر کارکردهای عبادی، اجتماعی-سیاسی، تعلیمی، پایگاه عبودیت، انجام مراسم ایینی، انجام فعالیت‌های هنری، برگزاری جشن‌ها و مناسبت‌های عمومی، کانون‌های فرهنگی و اجتماعی، مشورت و قضاوت، دفاع و بسیج عمومی نیز بوده و هست [54].

از همین پایگاه بود که به‌عنوان یک اقدام مهم فرهنگی در صدر اسلام، اشعار جاهلی در وصف بت‌ها و حاوی اندیشه‌های خرافی به شعرها، شعارها و رجزهایی با محتوای غنی که تفکرات ناب اسلامی و توحیدی را نمایش می‌گذاشت، بدل شد. نمونه این تحولات فرهنگی در فتح مکه اتفاق افتاد که

مسلمانان در پاسخ به شعار «اعْلُ هُبْلُ اَعْلُ هُبْلُ»، شعار «اللهُ اَعْلُ و اَجَلُ» و در پاسخ به شعار «لَنَا الْغَزَى وَ لَا غَزَى لَكُمْ»، شعار «اللهُ مُوَلَانَا وَ لَا مُوَلَى لَكُمْ» را سر دادند [37].

نهاد مسجد پایگاه مهمی برای ایجاد، گسترش و همگانی کردن تمدن نوین اسلامی است. «مسجد برای اجتماع مردم مکانی فراهم آورد که حتی از دسترس موثرترین پلیس مخفی به دور است. مردم به قیمت جان‌شان از مسجد دفاع می‌کنند» [58]. مسجد با ایجاد ارتباط مستقیم چهره به چهره میان ارتباط گران و مخاطبان و دریافت بازخوردهای فوری و تاثیر عاطفی و احساسی می‌تواند به‌عنوان نقطه اتکا و مرکز ثقل سازمان جامعه به ایفای نقش بپردازد و بنیان‌های اساسی یک تمدن نوین اسلامی را پایه ریزی کند [45].

از منظر مقام معظم رهبری مساجد، جایگاه ارتباط انسان با پروردگار و از جمله مراکز تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی است که باید با برنامه‌ریزی صحیح و استفاده از ابزارهای فرهنگی، هنری، عمران، معنوی مساجد را تقویت کرد و از ظرفیت شوق‌آوری و شورافرینی مساجد برای جذب قشرهای مختلف مردم و تبلیغ مفاهیم و معارف اسلامی، بهره‌گیری کامل کرد. یکی از ابزارهای مهم و تاثیرگذار مسجد، منبر است که می‌بایست بیدارکننده ذهن‌ها باشد. بیداری که از انقلاب اسلامی آغاز گردید و از جوان‌ها خمودگی ذهن را زدود و آنان را با مفاهیم انقلابی آشنا کرد و منبر باید پاسخ دهنده به سوالات ذهن‌های بیدار باشد [10].

از سوی دیگر مسجد می‌بایست محل پیوند مراکز مختلف باشد. پیوند مراکز آموزشی با مساجد یکی از اتفاقاتی است که از منظر مقام معظم رهبری بسیار نیکو است. تقدیر از نفرات شایسته و موفق، بزرگداشت ازدواج، تولد، موفقیت‌های علمی، اجتماعی، هنری و ورزشی از اقداماتی است که کارکرد مسجد به‌عنوان مامن و مایه خیر و برکت را فراهم می‌کند [19].

مسجد با چنین جایگاه و کارکردی می‌تواند نقش تعیین کننده در تحقق تمدن نوین اسلامی ایفا نماید و به‌عنوان یک نهاد موفق اجتماعی هم در زمینه فردی موجب رشد شخصیت افراد شود و هم در زمینه اجتماعی به بهبود رفتارهای اجتماعی و بهره‌مندی از سبک و سیاق زندگی معنوی و اسلامی بیانجامد. این مهم به کمک مبلغان، روحانیون و عالمان وارسته دینی در مساجد به‌عنوان عناصر انتقال پیام انجام خواهد پذیرفت.

## ۳- فرهنگ کار و تلاش مجدانه

وجدان کاری با رشد همت و تلاش مقوله‌ای فرهنگی است که به باور بسیاری از صاحب نظران جامعه را به پیشرفت همه

فرهنگ و سبک زندگی، برگرفته از نظریه‌های اجتماعی و نظام عملی فرد در جامعه، یعنی قانون است. با توجه به الگوهای ارائه شده در دین اسلام، هرچه فرد از نظر سبک زندگی به سبک زندگی اسلامی و ائمه اطهار (ع) و قرآن نزدیک‌تر باشد، فرد موفق‌تری در جامعه محسوب می‌شود و در رعایت تقوا، عدالت، حقوق دیگران، کار و تلاش پیشگام خواهد بود.

سبک زندگی مبتنی بر نگاه اسلامی در نگاه مقام معظم رهبری، یکی از مهم‌ترین ابزارها در بنای تمدن سازی نوین اسلامی است که به پیشرفت همه جانبه کشور کمک می‌کند، تمدن نوین اسلامی، دارای دو بخش ابزاری و حقیقی و اساسی خواهد بود، که سبک زندگی بخش حقیقی آن را تشکیل می‌دهد. بخش ابزاری یا سخت افزاری ... [نیز شامل] علم، اختراع، اقتصاد، سیاست، اعتبار بین المللی و... است [18].

بر این اساس اندیشه مقام معظم رهبری مبتنی بر این نکته است که سبک زندگی اسلامی و در پی آن تمدن نوین اسلامی به دنبال اجرای دستورات دین اسلام به‌طور کامل در تمامی شئون زندگی انسان خواهد آمد. البته باید توجه داشت که سبک زندگی اسلامی علاوه بر این که شرط حدوث یک تمدن نوین اسلامی است، شرط بقای آن تمدن نیز به حساب می‌آید؛ چراکه این سبک زندگی، ضمن افزایش رویش‌ها، جلوی ریزش‌ها را نیز به شدت می‌گیرد و جهت حرکت را به سمت بقای تمدن ایجاد می‌کند.

نقش فرهنگ در پی ریزی تمدن نوین اسلامی با رشد مولفه‌های مهم و اساسی آن ارتباط وثیقی دارد. خودباوری از پایه‌های اصلی اراده یک ملت برای رشد و توسعه است که خود مولفه‌ای فرهنگی است و می‌تواند بستر رشد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باشد و از سوی دیگر می‌توان با فرهنگ کار و تلاش مجدانه نیز پیوند باید. به لحاظ موقعیت و اهمیت نهادی مسجد یکی از ارکان اصلی هدایت و جهت دهی و ابلاغ پیام و همچنین پیوند دهنده فرهنگی همه اقشار و محل اتخاذ تصمیمات یک جامعه اسلامی است. سبک و نگاه زندگی اسلامی نیز از جنبه‌های اساسی فرهنگ اسلامی است و رشد و هم افزایی این مولفه‌ها از منظر مقام معظم رهبری می‌تواند به شکوفایی تمدن نوین اسلامی بیانجامد.

### نتیجه گیری

فرهنگ در اندیشه مقام معظم رهبری نقش اساسی و تعیین کننده‌ای دارد. ایشان با اشاره به استعداد بی پایان انسان در رشد و تعالی معنوی، ویژگی‌های متعالی "انسان" را پایه اندیشه دینی، فرهنگی و ساخت جامعه اسلامی معرفی نموده است؛ بنابراین، فرهنگ در تحقق آن نقشی تاثیرگذار دارد.

جانبه در سطوح گوناگون فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، کمک می‌کند [35]. دین اسلام کار و تلاش را در پیوندی مستحکم با پرستش و عبادت تعریف می‌کند و انسان فعال مورد عنایت خداوند و اولیای او قرار دارد و افرادی که از زیر کار شانه خالی می‌کنند، مورد طرد و لعن ایشان هستند.

مقام معظم رهبری نیز هر گونه‌ای از کار و تلاش «محور پیشرفت و حرکت و حیات مستمر جامعه» می‌داند و آن را برتر از سرمایه، مواد اولیه، انرژی و اطلاعات عنوان می‌کند. کار از منظر ایشان «روحی می‌دمد در سرمایه، در انرژی، در مواد اولیه و آن را تبدیل می‌کند به یک موجود قابل مصرف». ایشان با بیان اینکه میزان کار و تلاش جمعی در کشور رضایت بخش نیست، بر تبدیل فرهنگ کار به خصلتی ملی تاکید دارند و در این زمینه نقش مدیران و بازوان فعال کشور را بسیار مهم می‌دانند. [16]. به اعتقاد ایشان تمدن نوین اسلامی در دنیای اقتصادی کنونی، فقط با کار و تلاش شبانه روزی و خلاقیت و ابداع و نوآوری ممکن خواهد بود.

### ۴- سبک زندگی اسلامی

برای احیای تمدن اسلامی و پایه ریزی تمدن نوین اسلامی، یکی از اقدامات اولیه و ضروری، توجه ویژه به سبک زندگی اسلامی و الگوهای رفتاری متناسب با آن خواهد بود. سبک و شیوه زندگی مولفه‌هایی چون تشکیل خانواده و ازدواج، نوع البسه و خوراک، مسکن و معماری، الگوی مصرف، تفریحات و شیوه گذران اوقات فراغت، روش معیشت و کسب و کار، نوع هنر، ادبیات و سینما و غیره را تشکیل می‌دهد، برای تمدن سازی نوین اسلامی باید در هر کدام از این بخش‌ها فرهنگ سازی لازم صورت گیرد. یکی از جنبه‌های سبک زندگی که در تحقق تمدن نوین اسلامی نقش کلیدی دارد و یک امر فرهنگی است فرهنگ مصرف صحیح و پرهیز از تجمل گرایی و اسراف است. مصرف در فرهنگ اسلامی ابعاد مختلفی دارد که می‌توان به حق مصرف، چگونگی مصرف، نوع مصرف، سطح مصرف، مقدار مصرف، انگیزه‌های مصرف و مواردی از این دست اشاره کرد [37]. از جنبه‌های دیگری از رفتار اجتماعی مبتنی بر سبک زندگی اسلامی که از مهم‌ترین اولویت تعاملات اجتماعی امروز است، می‌توان به رعایت حقوق اجتماعی، کار جمعی، انضباط اجتماعی، قانون گرایی، صداقت، پرهیز از پرخاشگری، وجدان کاری نشاط اجتماعی، فرهنگ عبور و مرور، کرامت اجتماعی زن، سبک فرزندپروری اشاره کرد.

شیوه و سبک زندگی در فرهنگ اسلامی برگرفته از اندیشه توحیدی، یعنی قرآن و نظام عملی اسلام مبتنی بر شریعت، سیره و سنت ائمه اطهار است، در حالی که در نگاه غیر اسلامی،

نسبت فرهنگ و تمدن، نسبت بود و نمود است؛ جوهره اصلی فرهنگ که در شناخت‌ها و باورها، گرایش‌ها و ارزش‌ها و کردارها و رفتارها متبلور است، اندوخته‌های مادی و معنوی بشر را ترسیم می‌کند و تمدن، مظهر فرهنگ است. بنابراین فرهنگ و تمدن دو مقوله همزاد و پیوسته هستند که در طی تاریخ سرزمین‌ها و مردمان گوناگون، جلوه‌های مختلفی را به نمایش گذاشته و می‌گذارند.

انسان در قیاس با عوامل مادی و طبیعی در پیدایی نقشی مهم و اساسی در بر ساخت تمدن نوین اسلامی دارد. بنابراین ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی که مجموعه عوامل شکل‌گیری باورها و خلیات و رفتار انسان هستند، نقشی تعیین‌کننده در حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی خواهند داشت.

در بعد کلان پس از وقوع انقلاب اسلامی و توسعه دیدگاه انقلابی و اسلامی مبتنی بر تفکرات امام راحل و مقام معظم رهبری در سراسر جهان اراده‌ی مقابله با نظام اسلامی شکل گرفت و شکست مقابله‌های نظامی و سیاسی توجه دشمن را به مقابله فرهنگی و جنگ نرم معطوف ساخت. درک این مهم یکی از اساسی‌ترین علل اهمیت مقوله فرهنگ و تلاش برای ساختن تمدن نوین اسلامی است.

تأثیر فرهنگ بر انسان از دیدگاه مقام معظم رهبری مبتنی بر کارویژه‌هایی است که شناخت آن‌ها به تمرکز و ریل‌گذاری صحیح‌تر فرهنگی کمک می‌کند. یکی از این کارویژه‌ها الهام بخشی و شکل دهی به رفتار و کردار است که یکی از میدان‌های اساسی فرهنگ است. کارویژه بعدی فرهنگ، بسترسازی برای پیشرفت همه جانبه جامعه است چراکه فرهنگ پایه و اساس اقتصاد، سیاست و اجتماع است. کارویژه دیگر فرهنگ بصیرت‌زایی است که با آگاهی بخشی، به تشخیص صحیح از ناصحیح و سره از ناسره در جامعه کمک می‌کند. فرهنگ به تقویت سرمایه اجتماعی نیز می‌انجامد. سرمایه اجتماعی‌ای که شالوده یک نظم و نظام اجتماعی دارای وفاداری، اعتماد، امید و انسجام اجتماعی است. از سوی دیگر فرهنگ غنی دارای توانایی در برابر سیاست تفرقه افکنی دشمن می‌تواند ابزار ایجاد اتحاد در میان همه گروه‌ها باشد.

توسعه فرهنگ اسلامی و ایرانی از دیدگاه مقام معظم رهبری، مستلزم مهندسی فرهنگی است. مهندسی فرهنگی به تقویت باورهای بنیادین و پیش فرض‌های اصلی اعتقادی کمک می‌کند و فعالیت و کنش نظام فرهنگی کشور برای مقابله با اقدامات مخرب فرهنگی با داشتن اطلاعات استراتژیک فرهنگی با رصد مستمر فرهنگی کشور و جهان دشمن خواهد بود.

مهندسی که نظام مفاهیم و منطق استعماری را نابود و فرهنگ ملی را تقویت و به جامعه معرفی کند.

شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری در پیوستگی بسیار با فرهنگ است. مبانی هستی‌شناسی، جهان‌بینی و انسان‌شناسی تمدن نوین اسلامی از فرهنگ غربی متفاوت است. این تمدن ضمن پاسخگویی به نیازهای طبیعی و مادی انسان‌ها بعد معنوی و روحی آنان را به سمت کمال و سعادت راهنمایی می‌کند. برای برپایی این تمدن اولاً، نیازمند تقویت خودباوری به‌عنوان یکی از جنبه‌های پایدار اقتدار نرم هستیم. اعتماد به نفسی مبتنی بر سنن، تاریخ، حال و امید به آینده. مسجد به‌عنوان پایگاه مقبول اجتماعی دومین، عاملی است که با استفاده از ظرفیت شوق‌آوری و شورافرینی در همه جنبه‌ها می‌تواند نهاد موفق اجتماعی باشد. عامل سوم، تقویت فرهنگ کار و تلاش مجدانه است که محور پیشرفت و حرکت و حیات مستمر جامعه و خلاقیت و ابداع و نوآوری است. عامل چهارم، نیز بهبود سبک زندگی اسلامی برگرفته از اندیشه توحیدی، یعنی قران و نظام عملی اسلام است. سبک زندگی بخش حقیقی تمدن اسلامی و علم، اختراع، اقتصاد و سیاست بخش سخت افزاری آن است.

بنابراین در اندیشه مقام معظم رهبری، فرهنگ با همه کارویژه‌ها و مولفه‌هایش می‌تواند با مهندسی فرهنگی مبتنی بر آموزه‌های دینی و انسانی به‌عنوان پایه اصلی و اساسی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی نقش ایفا کرده و بسترهای تمدن نوین اسلامی برای ایرانی آباد، پیشرفته و قوی را فراهم نماید.

**تشکر و قدردانی:** موردی توسط نویسنده گزارش نشده است.

**تاییدیه‌های اخلاقی، تعارض منافع:** موردی توسط نویسنده گزارش نشده است.

**سهم نویسندگان منابع مالی / حمایت‌ها:** موردی توسط نویسنده گزارش نشده است.

## منابع

۱. ابن نبی، مالک (الف-۲۰۰۰). لظاهرة القرانیة. دمشق، دارالفکر.
۲. ابن نبی، مالک. (۱۹۹۱). تأملات، دمشق. دار الفکر.
۳. ابن نبی، مالک. (ب-۲۰۰۰). فی مهبط المعركة. دمشق، دارالفکر.

۴. اذرنگ، عبدالحسین. (۱۳۹۰). تاریخ تمدن. تهران، کتابدار، چ اول، ۱۹۲.
۵. اقاچانی، احمد، عسگری، محمود. (۱۳۹۰). جنگ نرم و فلج‌سازی راهبردی. ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال نهم، ش ۹۸. اردیبهشت صص ۲۱-۴۳.
۶. اعمالی و جعفری. (۱۴۰۰). بررسی و تبیین شاخص‌های انسان فرهنگی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای. مجله مدیریت فرهنگی، دوره ۱۵، شماره ۵۱.
۷. براتلو، فاطمه، صنایع، محمد. (۱۳۸۸). درآمدی بر سرمایه اجتماعی بر پایه عقلانیت دینی. مجله نامه پژوهش فرهنگی، تابستان، ش ۳۸.
۸. بلخاری، حسن. فیزیک معنا. (یاسره‌دایتی، مصاحبه کننده). روزنامه همشهری، ش ۳۴۷۴، یکشنبه اول مرداد ۱۳۸۳.
۹. بنیانیان، حسن. (۱۳۸۵). مهندسی فرهنگی از نظر تا عمل در جامعه ایران. (خلاصه مقالات نخستین همایش ملی مهندسی فرهنگی)، دی ماه، ۲۰-۲۱.
۱۰. بیانات رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۱/۹/۲۶.
۱۱. بیانات رهبری در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۰/۱۲/۱۴.
۱۲. بیانات رهبری در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۳/۱/۱.
۱۳. بیانات رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۹/۹/۱۹.
۱۴. بیانات رهبری در دیدار با فرهنگیان سراسر کشور، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹.
۱۵. بیانات رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹.
۱۶. بیانات رهبری در دیدار اعضای مجمع عمومی کنفرانس جهانی اهل بیت (ع)، ۱۳۷۲/۱۱/۱۸.
۱۷. بیانات رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۷/۲.
۱۸. بیانات رهبری در دیدار با جمعی از بسیجیان کشور، ۱۳۸۸/۹/۴.
۱۹. بیانات رهبری در دیدار جمعی از کارگران و معلمان، ۱۳۷۷/۲/۱۰.
۲۰. بیانات رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.
۲۱. بیانات رهبری در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۳۹۱/۴/۷.
۲۲. بیانات رهبری در دیدار طلاب مدرسه علمیه ایت‌الله مجتهدی، ۱۳۸۳/۳/۲۲.
۲۳. بیانات رهبری در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۸۹/۷/۲۰.
۲۴. بیانات رهبری در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۸۲/۴/۱۵.
۲۵. بیانات رهبری در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۲.
۲۶. بیانات رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۷/۱۰/۱۵.
۲۷. بیانات رهبری در دیدار با اساتید، اعضای هیات علمی و نخبگان کشور، ۱۳۸۸/۸/۶.
۲۸. بیانات رهبری در دیدار با اعضای دفتر رهبری و سپاه ولی امر، ۱۳۸۸/۵/۲۱.
۲۹. بیانات رهبری در دیدار با جمعی از نخبگان علمی کشور، ۱۳۸۶/۸/۶.
۳۰. بیانات رهبری در دیدار با دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد، ۱۳۸۶/۱۰/۱۳.
۳۱. بیانات رهبری در حضور و سخنرانی رهبر انقلاب در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۹.
۳۲. بیانات رهبری در دیدار بیانات رهبری در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیات دولت، ۱۳۸۷/۶/۲.
۳۳. بیانات رهبری در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۳/۱۰/۸.
۳۴. بیانات رهبری در دیدار با جمعی از مسئولان فرهنگی، ۱۳۸۷/۱۱/۷.
۳۵. بیانات رهبری در دیدار جمعی از مردم اذربایجان، ۱۳۸۸/۱۱/۲۸.
۳۶. بیانات رهبری در دیدار وزیر علوم و روسای دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷.
۳۷. بیانات رهبری در دیدار با مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۷/۱۵.
۳۸. حجازی، سید علی‌رضا. (۱۳۹۷). تاثیر متقابل تمدن ایرانی و تمدن اسلامی. مقاله اولین همایش بین المللی امام علی این موسی الرضا علیه السلام و نهضت علمی، تمدنی در جهان اسلام. آبان ماه ۱۳۹۷.
۳۹. قربی، جواد. (۱۳۹۲). سیدمحمد، بایسته‌های فرهنگی پیشرفت؛ بررسی الزامات فرهنگی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. مقالات دومین کنفرانس اسلامی ایرانی پیشرفت، اردیبهشت.
۴۰. جوان اراسته، حسین. (۱۳۸۹). کارکرد مسجد در حکومت نبوی. حکومت اسلامی، بهار، ش ۴۳.
۴۱. حاجی صادقی، عبدالله. (۱۳۸۸). اصول الگوی مصرف اسلامی. قم: زمزم هدایت.

۴۲. دمشق، ابن کثیر (ابوالفداء اسماعیل بن عمر). (۱۴۰۷). البدایة و النهایة. دار الفکر، ج ۴، بیروت.
۴۳. دیبایی صابر، محسن. (۱۳۹۶). تبیین مولفه‌های تمدن نوین اسلامی مورد نظر مقام معظم رهبری و تحلیل جایگاه آن در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران. دانشگاه شاهد، سومین همایش ملی تمدن نوین اسلامی، ۳.
۴۴. روحی، نبی‌الله. (۱۳۹۴). چشم انداز گفتمان تمدن گرایی اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری. مطالعات راهبردی بسیج، سال ۴۶، ش ۶۴، زمستان، ۱۹، ۱۷.
۴۵. زمانی، حسین و تقی زاده، وحیده. (۱۳۸۵). ضرورت طراحی نظام مهندسی فرهنگی جهت اعتلای نظام اسلامی. خلاصه مقالات نخستین همایش ملی مهندسی فرهنگی، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، دی ماه.
۴۶. زیگلر، ژان. (۱۳۶۵). غارت افریقا یا استعمار دوباره. ترجمه عباس آگاهی، مشهد: استان قدس رضوی، ۲۰۹.
۴۷. سیدی، حسین. (۱۳۸۸). تمدن اسلامی. سوم، تهران: موسسه فرهنگی مدرسه برهان (نشر مدرسه)، ۷.
۴۸. طوقانی، ابوذر. (۱۳۹۲). عوامل و زمینه‌های شکوفایی تمدن نوین اسلامی، بینا.
۴۹. غفاری هاشجین، زاهد، ناصر خاکی. (۱۳۹۵). حسن، زمینه‌ها و بایسته‌های تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر تمدن‌گرایان. دوره ۱۹، شماره ۷۵.
۵۰. فرمیهنی فراهانی، محسن؛ اشرفی، فاطمه. (۱۳۹۵). اصول اخلاق حرفه‌ای در نهج البلاغه. پژوهشنامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۵، ش ۱، بهار و تابستان.
۵۱. فرهنگ روز سخن. (۱۳۸۲). به سرپرستی حسن انوری، تهران: سخن، ۳۳۸، ۸۶۹.
۵۲. قربانی، زین العابدین. (۱۳۷۶). علل پیشرفت و انحطاط مسلمین. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ششم.
۵۳. لاجوردی، سید شهاب. (۱۳۹۷). جایگاه عقلانیت در شکل‌گیری مراحل تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) و ایت‌الله خامنه‌ای. سیاست متعالیه، شماره ۲۸، ۵۵.
۵۴. محمدی، ذکر الله. (۱۳۷۳). نقش فرهنگ و تمدن در بیداری غرب. قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.
۵۵. محمدی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۷). اصول و ضوابط حاکم بر سیر تمدن‌ها. فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، سال پنجم، شماره ۲۰، زمستان، ۱۶۱۱۸۴.
۵۶. مخبر، محمدرضا. (۱۳۸۵). نقش مهندسی فرهنگی در کاهش آسیب‌های اجتماعی. دو هفته نامه مهندسی فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی، ش ۵، دی ماه، ۳.
۵۷. مرکز صهیبا. (۱۳۹۱). دغدغه‌های فرهنگی. شرحی مزجی یکی از بیانات محوری مقام معظم رهبری.
۵۸. مقام معظم رهبری، نشریه هفته‌نامه پرتو، سال نهم، شماره ۴۰۸.
۵۹. موتچو پولوس. (۱۳۷۸). تمدن‌ها، فرهنگ‌ها: تقابل یا تعامل. مترجم: علی اکبر رشاد، قیسات، شماره ۱۴.
۶۰. موثقی، احمد. (۱۳۷۷). جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران: سمت.
۶۱. مهدوی نژاد، محمدجواد، مشایخی، محمد. (۱۳۸۹). بایسته‌های طراحی مسجد بر مبنای کارکردهای فرهنگی اجتماعی. نشریه معماری و شهرسازی ارمانشهر، ش ۵.
۶۲. وجدی، محمد فرید. دایره المعارف القرآن العشرین، الطبعه الثالثه، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
۶۳. ولایتی، علی‌اکبر. (۱۳۸۴). تاریخ و تمدن اسلامی. قم: دفتر نشر معارف، ۱۹.
۶۴. ویل دورانت. (۱۳۶۷). تاریخ تمدن. ترجمه احمد ارام و دیگران، ج ۱، چ دوم، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۵.
۶۵. هیکل، حسنین. (۱۳۶۳). ایران: روایتی که ناگفته ماند. ترجمه حمید احمدی، تهران: الهام.
66. Alsadr, seydmoammadbagher. (1409). Historical Tradition in Guran. Damascus, Syria, the House of Introduction of Journals.
67. Alsadr, seydmoammadbagher. (1434). Our Philosophy. Scientific Conference About Shahid Sadr.
68. Elviri, Mohsen va seyd reza mehdinejaad.(2012) The Relation Between Religion and Civilization in Thought of Malek Ebne Nabi. Quarterly Journal of Islamic Civilization and History. Ninth Period, Spring and Winter, no.18.
69. Farugi, IsmaïlRaji. (2013). The Essence of Islamic Civilization. The International Institute of Islamic Thought.